



# Methodological Criticism of Arkun's View on the Prophetic Life

Seyed Mohammad Ali Noori<sup>1</sup>

1 .Associate professor of Shi'ah study, University of religions and denomination, Qom, Iran.  
Email: [man13462002@yahoo.com](mailto:man13462002@yahoo.com)

### Abstract:

The biography of the Prophet Mohammad includes valuable instructions to learn and follow. There are three general views about the biography of the Prophet. Some people believe that writing a biography is impossible and forbidden. Some others consider biographical writing to be obvious and possible based on the present books, and some others prefer its writing in detail. Mohammad Arkun is one of the contemporary thinkers who believes in the impossibility of writing the Prophet's biography. This research aims to provide a methodological critique on Arkun's view concerning the prophetic life, which will be addressed in several stages. In response to the how of writing the Prophet's biography, various sources are considerable. Among them the Holy Quran as a suitable source has a central position. Moreover, the existence of historical books, the historical narrations, and the method of historical criticism are among the most important sources to criticize the historical method of Mohammad Arkun. Historical books as the favorable sources can considerably complement the content in this domain. Narrative works also include too many contents related to the biography, and they will clarify many ambiguities. Finally, the historian will be able to refine the biography through the method of historical criticism.

**Keywords:** methodological criticism, Mohammad Arkun, Prophet Mohammad, biography writing.

History of Islam || 2024, Volume 25, Issue 98



43

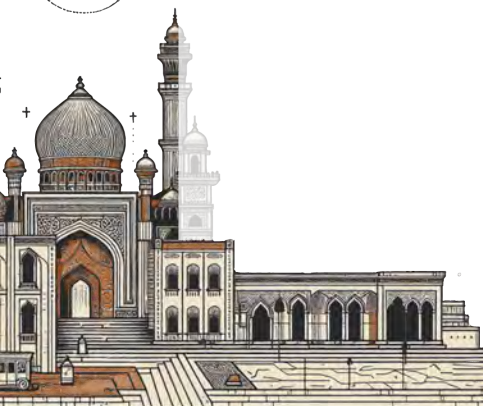
### Article Info:

**Article type:** Research Article

**Article history:** *Received* December, 15, 2020  
*Received in revised form* February, 18, 2021  
*Accepted* February, 28, 2021  
*Published online* June, 21, 2024

### Cite this article:

Noori, S.M.A. (2024). Methodological Criticism of Arkun's View on the Prophetic Life. *History of Islam*, 25(2), 43-68. <https://doi.org/10.22081/hiq.2023.59616.2119>



Bagher Al-Olum University



ISSN  
2783-414X

Publisher: Bagher Al-Olum University. © The Author(s).



## النقد المنهجي لوجهة نظر أركون للسيرة النبوية

السيد محمد علي نوري<sup>١</sup>

١. أستاذ مساعد، معرفة الشيعة، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران. البريد الإلكتروني: [man13462002@yahoo.com](mailto:man13462002@yahoo.com)

### الملخص:

تحتوي السيرة النبوية على نقاط قيمة و ثمينة يمكن أخذ العبر منها و الاقتداء بها. هناك ثلاثة نظريات عامة حول السيرة النبوية. يرى البعض أن كتابة السيرة مستحيلة و غير ممكنة، أما البعض الآخر فإنه يرى أن كتابة السيرة تعتبر من الأمور البديهية و الممكنة بناءً على الكتب الموجودة، و البعض الآخر يعتقد بالتفصيل. محمد أركون، و هو واحد من المفكرين العرب المعاصرين، يعتقد باستحالة كتابة السيرة النبوية. يهدف هذا البحث إلى تقديم نقد منهجي لوجهة نظر أركون المرتبطة بالسيرة النبوية، و الذي سيتم الحديث عنها على عدة مراحل. و في سياق الرد على كيفية كتابة السيرة النبوية، تلعب المصادر المختلفة دوراً أساسياً، و من بينها القرآن الكريم الذي يحظى بمكانة محورية؛ كونه من المصادر التي تعتبر ناقلاً مهماً للسيرة النبوية. من أهم مباحث النقد التاريخي لدى محمد أركون هي وجود الكتب التاريخية، الروايات التاريخية في المجالس الروائية السردية، بالإضافة إلى أسلوب النقد التاريخي. كما تحتوي الأعمال الروائية، و الروايات المتعلقة بالسيرة على العديد من المطالب المرتبطة بالسيرة، و التي يمكن أن تزيل الكثير من الغموض، في الختام يتطرق المؤرخ الى تعديل السيرة من خلال أسلوب النقد التاريخي.

الكلمات المفتاحية: النبي الأكرم ﷺ، كتابة السيرة، محمد أركون، النقد المنهجي، المصادر التاريخية.

### اطلاعات المقالة:

نوع المقالة: بحثية

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٠/١٢/١٥ | تاريخ المراجعة: ٢٠٢١/٠٢/١٨ | تاريخ القبول: ٢٠٢١/٠٢/٢٨ | تاريخ النشر: ٢٠٢٤/٠٦/٢١

### استشهاد به هذا المقال:

نوري، السيد محمد علي (٢٠٢٤). النقد المنهجي لوجهة نظر أركون للسيرة النبوية. تاريخ الإسلام، ٢٥ (٢): ٤٣-٦٨.

<https://doi.org/10.22081/hiq.2023.59616.2119>

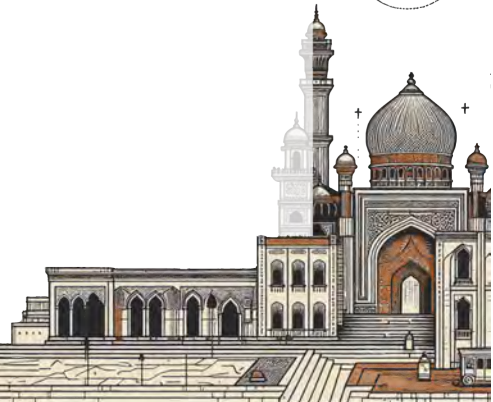


باصدار جامعة باقر العلوم



ISSN إلكتروني  
2783-414X

الناشر: جامعة باقر العلوم للإسلام. © المؤلفون.





**چکیده:**

سیره پیامبر ﷺ حاوی نکات ارزشمند و گران‌بهایی برای عبرت‌آموزی و الگو برداری است. درباره سیره پیامبر ﷺ سه دیدگاه کلی وجود دارد. عده‌ای به محال و ممتنع بودن سیره‌نویسی معتقدند. برخی دیگر بر اساس کتاب‌های موجود، سیره‌نویسی را امری بدیهی و ممکن می‌دانند و پاره‌ای دیگر قائل به تفصیل هستند. محمد ارکون یکی از اندیشمندان عرب‌زبان معاصر است که اعتقاد به محال بودن سیره‌نویسی پیامبر ﷺ دارد. این پژوهش درصدد ارائه نقد روش شناختی بر دیدگاه ارکون درباره سیره نبوی ﷺ است که طی چند مرحله به آن پرداخته خواهد شد. در پاسخ به چگونگی سیره‌نویسی پیامبر ﷺ، منابع مختلفی نقش آفرینند که در بین آن‌ها قرآن کریم موقعیتی محوری دارد؛ چراکه محمل مناسبی برای سیره پیامبر ﷺ شناخته می‌شود. همچنین وجود کتاب‌های تاریخی، روایات تاریخی در مجامع روایی و روش نقد تاریخی از مهم‌ترین مباحث نقد روش تاریخی محمد ارکون می‌باشد. کتاب‌های تاریخی به‌عنوان عامل مساعد می‌توانند به‌صورت توسعه‌ای مطالب را در این زمینه تکمیل کنند. آثار روایی و روایات مربوط به سیره نیز حاوی مطالب فراوانی در زمینه سیره می‌باشند که ابهامات فراوانی را بر طرف خواهند کرد. و بالاخره مورخ با روش نقد تاریخی خواهد توانست به پیرایش سیره بپردازد.

کلیدواژه‌ها: نقد روش شناختی، محمد ارکون، پیامبر ﷺ، سیره‌نویسی.

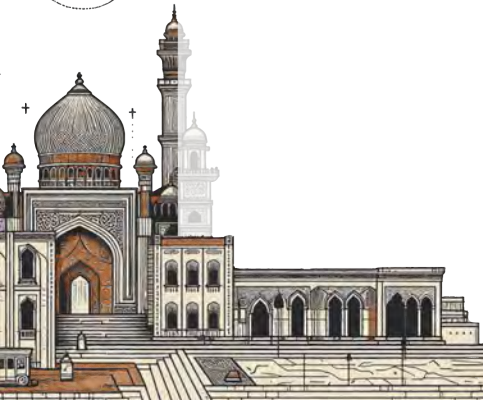
**اطلاعات مقاله:**

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۵ | تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۱/۳۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

**استناد:**

نوری، سید محمدعلی (۱۴۰۳). نقد روش شناختی دیدگاه ارکون درباره سیره نبوی ﷺ. تاریخ اسلام، ۲۵ (۲)، ۴۳-۶۸.  
<https://doi.org/10.22081/hiq.2023.59616.2119>



شاپا الکترونیکی  
۲۷۸۳-۴۱۴۷



## مقدمه

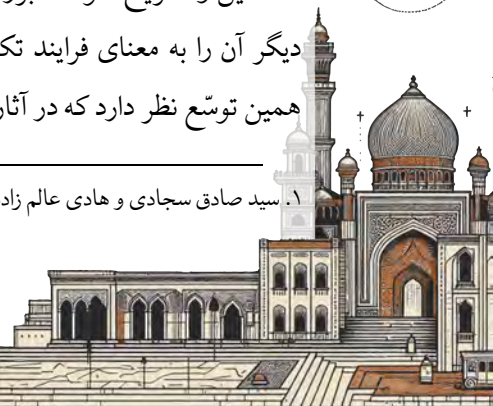
پژوهش‌های سیره‌شناسی و سیره‌نویسی پیامبر اسلام ﷺ در میان اندیشمندان جایگاه ویژه‌ای دارد. پژوهش در مورد حیات و شیوه زندگی پیامبر ﷺ آن قدر مهم است و جایگاه محوری در پژوهش‌های اسلامی ایفا می‌کند که حتی مستشرقان را هم بر آن داشته تا در این زمینه گامی بردارند. اندیشمندان مسلمان هم به نوبه خود در سیره پیامبر ﷺ تحقیقات فراوانی دارند که حصر تحقیقات آنان از حوصله این مقاله خارج است. در میان اندیشمندان مسلمان محمد ارکون نظریه‌ای خاص در مورد سیره پیامبر اسلام ﷺ دارد که محور بحث این مقاله می‌باشد. این تحقیق، با کنکاش در آثار پژوهشگر مشهور و الجزایری جهان عرب، به نام محمد ارکون (م ۱۳۴۶م) در پی کشف و معرفی روش اختصاصی وی در مطالعات تاریخی می‌باشد. در موضوع سیره‌پژوهی محمد ارکون، آثاری چون: «محمد ارکون المفکر و الباحث والإنسان» تألیف جمعی از اندیشمندان، «التراث و المنهج بین ارکون و الجابری» نوشته نایله ابی‌نادر و «کتابه السیره لدی المحدثین العرب» تألیف حسن بزاینیه و «الدین و النص و الحقیقه قرانه تحلیلیه فی فکر محمد ارکون» تألیف مصطفی الحسن، انتشار یافته است، اما هیچ‌کدام به صورت اختصاصی به نقد روش تاریخی محمد ارکون در مورد سیره پیامبر ﷺ نپرداخته‌اند.

در این تحقیق، سعی شده است تا پس از تبیین و معرفی روش تاریخی محمد ارکون به صورت اجمالی و همچنین معرفی دیدگاه‌های موجود در سیره پیامبر ﷺ، به نقد روش تاریخی محمد ارکون طی چند مرحله پرداخته شود.

## تفاوت تاریخ و سیره

در تعریف تاریخ اختلاف نظرهای اساسی وجود دارد برخی تاریخ را سرگذشت پیامبران و سلاطین و تشریح حوادث بزرگ، مانند جنگ‌ها و فتوحات بر حسب زمان می‌دانند و برخی دیگر آن را به معنای فرایند تکامل انسان تفسیر کرده‌اند. معنای تاریخ در دوره اسلامی به همین توسعه نظر دارد که در آثار تاریخ نگاران اسلامی مشهود است.<sup>۱</sup>

۱. سید صادق سجادی و هادی عالم زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام، صص ۸-۱۰.





منظور از روش تاریخی بازسازی سیستماتیک و عینی گذشته است که از طریق گردآوری، ارزیابی، تعیین صحت و سقم و ترکیب حوادث به منظور اثبات وقایع و تحصیل نتیجه‌ای قابل دفاع صورت می‌گیرد و غالباً بر فرضیه‌ای معین مبتنی است.<sup>۱</sup> در این تحقیق مراد از سیره نویسی، نگاشتن رفتار و سبک و روشی که پیامبر ﷺ در عمل، به منظور رسیدن به مقاصد خویش در شؤون مختلف فردی، اجتماعی و سیاسی به کار برده‌اند.<sup>۲</sup> در مقایسه میان تاریخ و سیره می‌توان تفاوت میان این دو مقوله - با توجه به تعریف و ویژگی‌های هر یک - را چنین خلاصه کرد:

۱. تاریخ علمی از علوم است اما سیره گزارشی تاریخی از زندگی و روش‌های یک شخصیت در برخورد با امور است.
۲. تاریخ عام است و بسیاری از رشته‌ها و زیر شاخه‌ها را در بر می‌گیرد اما سیره خاص و جزئی از گزارش‌های تاریخی است.
۳. در تاریخ از روش‌های گوناگون استفاده می‌شود اما در سیره، زندگی یک شخص مورد مطالعه قرار گرفته و برای خواننده گزارش می‌شود.
۴. نسبت میان تاریخ و سیره از نظر نسب منطقی عموم و خصوص مطلق است و تاریخ عام است و سیره جزئی از تاریخ به حساب می‌آید.

## معرفی محمد ارکون

محمد ارکون در سال ۱۳۴۶ هجری در الجزایر به دنیا آمد و تحصیلات اولیه خود را در الجزایر فرا گرفت. سپس، به فرانسه رفت و پس از مدتی، با دخالت لویی ماسینیون<sup>۳</sup> (م ۱۳۸۱ه) در دانشگاه سوربون<sup>۴</sup> پذیرفته شد و پایان‌نامه خود را در مقطع دکتری در مورد ابن مسکویه (م ۴۲۱ق) به پایان برد و در پنجم شوال ۱۴۳۱ هجری در ۸۲ سالگی درگذشت.

۱. علی دلاور، مبانی نظری و عملی در علوم انسانی و اجتماعی، ص ۲۴۳.

۲. سید صادق سجادی و هادی عالم زاده، تاریخنگاری در اسلام، ص ۳۶.

1. Louis Massiqnon.  
4. La Sorbonne.





از اساتید وی می‌توان برونشویگ<sup>۱</sup> (م ۱۹۴۴م)، شارل پلا<sup>۲</sup> (م ۱۹۹۲م) و کلود کاهن<sup>۳</sup> (م ۱۹۹۱م) را نام برد. دغدغه اصلی وی، در مورد منابع اسلامی و کاربرد علوم انسانی در پژوهش‌های اسلامی است. نقد تفکر اسلامی، از موضوعات مورد توجه وی می‌باشد؛ به طوری که حجم قابل توجهی از آثار او، به این موضوع اختصاص یافته است. تحقیقات متعدد ارکون موجب شد که او به‌عنوان یک محقق تاریخ تفکر اسلامی شهرت یابد. برخی از کتاب‌های ارکون عبارتند از: «الفکر العربي الإسلام؛ أصالة و ممارسة تاريخية»، «الفکر العربي الإسلامي أو نقد العقل الإسلامي الفکر الإسلامي؛ قراءة علمية»، «الإسلام؛ الأخلاق و السياسة»، «الفکر الإسلامي؛ نقد و إجتهد»، «العلمنة و الدين؛ الإسلام المسيحية»، «الغرب، من الإجتهد إلى نقد العقل الإسلامي»، «من فیصل التفرقة إلى فصل المقال؛ أين هو الفکر الإسلامي المعاصر؟»، «الإسلام أوروبا الغرب»، «نزعة الأنسنة في الفکر العربي» و همچنین آثاری دیگری را می‌توان نام برد.

ارکون در مدت فعالیت علمی خود، استاد دانشگاه سوربن در سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۹۱م، استاد مدعو در دانشگاه برلین<sup>۴</sup> طی سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۷۹م، استاد محقق در مؤسسه مطالعات پیشرفته برلین<sup>۵</sup> در سال ۱۹۹۰م، استاد در کالج مطالعات پیشرفته در پرینستون<sup>۶</sup> در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۳م، استاد دانشگاه‌های لوس‌آنجلس<sup>۷</sup> ۱۹۶۹م، لوفان لانیف<sup>۸</sup> ۱۹۷۷-۱۹۷۹م و چند دانشگاه و مرکز علمی دیگر بوده است. با توجه به آثار وی در معرفت‌شناسی اسلامی و به‌ویژه پروژه‌هایش در باره عقل اسلامی، می‌توان چنین اذعان نمود که برخی از آثار او مستقیماً به تاریخ‌پژوهی مربوط می‌شود. ارکون با استمداد از تاریخ اسلام و به‌خصوص تاریخ قرآن، توانسته است شیوه‌های جدیدی از فهم تاریخی را به نمایش بگذارد.

۱. Léon Brunschvicg، فیلسوف ایدئالیست فرانسوی سده نوزدهم و بیستم میلادی است.

۲. Charles Pellat، عربی‌دان فرانسوی است که ویراستار دانشنامه اسلام (ویرایش دوم) بود.

۳. Claude Cahen، مستشرق و تاریخ‌نگار فرانسوی که مارکسیست بود.

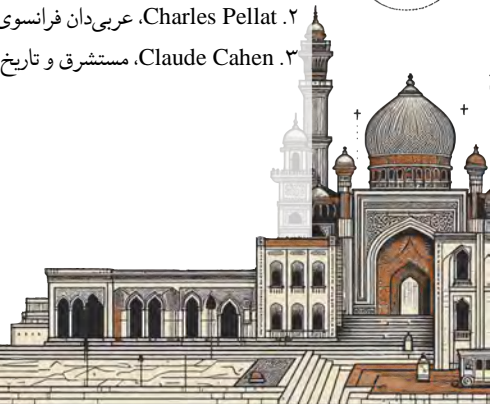
4. Freie Universität Berlin.

5. Wissenschaftskolleg.

6. Princeton University.

7. University of California, Los Angeles.

8. Academic Ranking of World Universities.







## روش‌های تاریخ‌پژوهی محمد ارکون

از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌پژوهی او، رویکرد<sup>۱</sup> عقلانی به تاریخ است. ارکون با استفاده از روش عقلانی به توصیف، تبیین تاریخ پرداخته و روش عقلانی را در آثار خود توصیه کرده و در مورد تاریخ اسلام، تحلیلی تاریخی ارائه نموده است. ارکون در کتاب «نزعة الأنسنة في الفكر العربي» نقطه آغازین مطالعات تاریخی خود را از قرن چهارم هجری که عصر شکوفایی علمی و تمدنی جهان اسلام است، آغاز نموده است. وی در این کتاب در پایان فصلی اضافه نموده و رابطه میان فلسفه و تاریخ را متذکر شده است. این کتاب، یکی از مطالعات نخستین او در اندیشه و تمدن اسلامی در این دوره است.<sup>۲</sup> این اثر، به مطالعه در مورد ابن مسکویه (م ۴۲۱ق) پرداخته است؛ اما شامل دو ویژگی مهم است. اول؛ توجه به مسائل مطرح‌شده در دین و جامعه اسلامی در آن دوره - قرن چهارم هجری - و دیگری، تأکید بر کاربرد روشی عقلانی در تحلیل مطالعات تاریخی است. ارکون در این کتاب، به بررسی آراء و اندیشه فلاسفه در آن دوره اکتفا نکرده و حتی آرای متکلمان اسلامی را نیز در این اثر مورد بررسی و دقت قرار داده است. ارکون در پژوهش خود در این دوره از تاریخ اسلام، تمام آثار تاریخی و کتاب‌های کلامی و فلسفی همانند کتاب‌های ابن مسکویه (۳۲۰ یا ۳۲۶ - ۴۲۱ق) و ابوحیان توحیدی (م ۴۰۰ یا ۴۱۰ق) و همچنين، ابوالحسن عامری (م ۳۸۱ق) را با توجه به محوریت اخلاق، مورد بررسی قرار داده است.<sup>۳</sup>

ارکون در «نزعة الأنسنة في الفكر العربي» گرایش به انسان‌گرایی<sup>۴</sup> را مطرح نموده که در تاریخ اسلام در همین دوره، ظهور آن را بررسی می‌کند. وی معتقد است، در این دوره از تاریخ اسلام، میل به انسان‌گرایی رابطه مستقیم با میل به عقلانیت و عقل‌گرایی دارد. او با مطالعه و بررسی آثار ابن مسکویه و ابوحیان توحیدی، در صدد اثبات نظر خود مبنی بر نقش‌گرایش به انسان‌گرایی در رونق

۱. معادل واژه انگلیسی approach، رویکرد است که به معنای راه، روش و منظرهای متفاوت به کار می‌رود.

۲. جمعی از نویسندگان، محمد ارکون المفکر والباحث والإنسان، ص ۲۴.

۳. ارکون، محمد، نزعة الأنسنة في الفكر العربي، ص ۵۷۲.

۴. «نزعة الأنسنة»، واژه‌ای است که ارکون برای مفهوم آنچه در غرب به نام «مرگ انسانیت» مطرح شده، استفاده نمود. این واژه، به نهیلیسم و اشاعه پوچ‌گرایی اشاره دارد که با آثار نیچه ترویج گردید. وی از این اصطلاح، به غایب‌شدن خدا از جهان تعبیر می‌کند و در اینجا ما آن را به معنای «میل به انسان‌گرایی در فکر و اندیشه اسلامی» ترجمه می‌کنیم.





تمدن اسلامی طی قرن چهارم هجری می‌باشد.<sup>۱</sup> ارکون قرن چهارم هجری از تاریخ اسلام را برای نمونه و با توجه به اهمیت آن، انتخاب نموده است. وی با توجه به رویکرد عقلانی و تأکید بر آزادی اندیشه متفکرانی که در این کتاب به آنان پرداخته، را بررسی می‌کند که در برابر جمودگرایی و تحجر ایستادند و با مناظره و جدل عقلی و نشان دادن تناقض‌های درونی استدلال‌های برخی از متکلمان مسلمان، به مقابله با آنان برخاستند.<sup>۲</sup>

دو کتاب «تاریخیه الفکر العربی و الفکر الاسلامی» محمد ارکون، از این جهت حائز اهمیت هستند که به وضوح این رویکرد عقلانی به تاریخ را منعکس کرده‌اند. ارکون در رویکرد عقلانی به تاریخ اسلام، از شیوه تحلیل و بررسی تاریخی استفاده نموده است. او با تلاشی مستمر در مطالعه عقلانی تاریخ اسلام، به این نتیجه می‌رسد که تاریخ باید دوباره نوشته شود و مورد بازبینی مجدد قرار گیرد. این بازنگری، باید بر اساس رویکردی عقلانی بوده، به لایه‌های زیرین تفکر و اندیشه تحلیل تاریخی منتهی گردد.<sup>۳</sup>

از نظر ارکون، میان تاریخ اندیشه و پویایی جامعه، ارتباط عمیق و پیچیده‌ای وجود دارد و این ارتباط، بی‌شبهت به ارتباط بین فرهنگ و جامعه نیست. ارکون با خرده‌گرفتن به برخی روش‌های مطالعات تاریخی، تاریخ تفکر را به صورت مترام و قطعاتی برهم‌انباشته می‌بیند. ارکون عقیده دارد که تاریخ هیچ‌گاه یک خط مستقیم رو به بالا نیست.<sup>۴</sup> ارکون در مورد ارتباط تاریخ و اسلام، معتقد است: «اسلام، در تاریخ است و تاریخ، در اسلام نیست.»<sup>۵</sup> این در حالی است که بسیاری از اندیشمندان اسلامی معتقدند دین اسلام، فرا تاریخی و برتر از تاریخ است.<sup>۶</sup>

۱. ارکون، محمد، نزعة الأنسنة في الفكر العربي ص ۱۴.

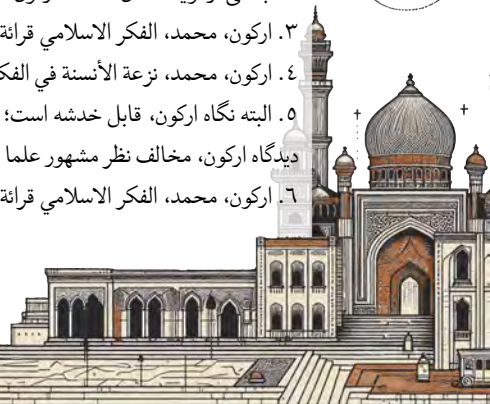
۲. جمعی از نویسندگان، محمد ارکون المفکر والباحث والإنسان، ص ۲۵.

۳. ارکون، محمد، الفكر الاسلامي قراءة علمية، ص ۳۶.

۴. ارکون، محمد، نزعة الأنسنة في الفكر العربي، ص ۵۵۹.

۵. البته نگاه ارکون، قابل خدشه است؛ زیرا بسیاری از آیات قرآن کریم بر فرا تاریخی بودن اسلام تأکید دارد. ضمن اینکه دیدگاه ارکون، مخالف نظر مشهور علما و صاحب‌نظران در مورد رابطه تاریخ و اسلام است.

۶. ارکون، محمد، الفكر الاسلامي قراءة علمية، ص ۶۱.







## ۱. نقد شیوه‌های مطالعات اسلامی

شیوه‌های مطالعاتی مستشرقان و متفکران مسلمان مورد نقد محمد ارکون قرار گرفته است. وی معتقد است که مطالعات ایشان، ناقص و از اصول پژوهش فاصله گرفته و مطالعات ایشان به یک بازنگری کلی نیازمند است. ارکون در طی تحقیقاتی که انجام داده است، ناقص بودن تحقیقات مستشرقان و اندیشمندان اسلامی را نشان داده و شیوه‌های نو و جدیدی را پیشنهاد می‌کند. نقدهای وی را می‌توان طی دو محور چنین دسته‌بندی نمود:

### الف. مستشرقان

به دلیل خاستگاه مستشرقان، این دسته از مطالعات، ناکافی، ناقص و ناتوان از فهم واقعی اسلام و از دقت کافی برخوردار نیست. ارکون معتقد است که قرائت رسمی از تاریخ که تحت تأثیر پادشاهان و حکام شکل می‌گیرد همیشه باب میل و طبع حکام بوده است، به‌عنوان تاریخ نوشته می‌شود. این قرائت، همان چیزی است که حکام و پادشاهان می‌خواستند مردم بدانند و از آن اطلاع پیدا کنند.

قرائت غیررسمی از تاریخ، شامل کل حوادث تاریخی است که اتفاق افتاده باشد. این حوادث ممکن است با اعمال سلطه پادشاهان، از تاریخ حذف شده باشد؛ یعنی حوادثی از تاریخ که به عمد توسط حکام حذف شده و یا در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است و نیز بخش‌هایی از تاریخ که به وسیله ضعیفان نوشته شده است و حکام و پادشاهان می‌خواهند آن را مخفی کنند.<sup>۱</sup>

محقق تاریخی اگر به‌صورت انتقادی به تاریخ بنگرد، باید بخش‌های حذف شده تاریخ را دوباره بازسازی کند و از آن‌ها تصویری بازسازی شده ارائه دهد. محقق تاریخ باید دیدگاه عقلانی خود را بر کل تاریخ گسترش داده و چیزهایی را که نظام سلطه از تاریخ حذف کرده‌اند، به تاریخ بازگرداند. ارکون معتقد است، مستشرقان تحت تأثیر قرائت رسمی از تاریخ، قرار دارند و به بررسی تاریخ اسلام تحت تأثیر این دیدگاه پرداخته‌اند و از دیدگاه دوم -قرائت غیر رسمی از تاریخ- غافل بوده‌اند. غفلت مستشرقان از تاریخ غیر رسمی، یکی از چالش‌های روشی آثار آنان در تاریخ تفکر اسلامی محسوب می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. ابی‌نادر، نایله، التراث والمنهج بین ارکون و الجابری، ص ۹۶.

۲. ابی‌نادر، نایله، التراث والمنهج بین ارکون و الجابری، ص ۹۸.





باید یادآور شد، در آغاز شیوه مطالعات اسلامی مستشرقان از سوی محمد ارکون، پذیرفته شده بود و بر اساس آن، وی تحقیقاتی را ارائه کرده بود<sup>۱</sup> اما در ادامه، این شیوه مطالعاتی به طور جدی مورد نقد ارکون قرار گرفت و روش‌های آنان برای شناخت صحیح اسلام، ناکافی و ناقص دانسته شد. ارکون در نقد مطالعات مستشرقان، معتقد است که مطالعات مستشرقان، از جهت روشی، ناقص و یک‌سویه می‌باشد. به اعتقاد وی، مطالعات اسلامی مستشرقان ارتباط تنگاتنگی با لغت‌شناسی<sup>۲</sup> دارد و تنها می‌تواند بخش محدودی از معانی تاریخ اسلام را دربرگیرد و در چنین رویکردی، مطالعات مستشرقان محدود به چارچوب قواعد لغت‌شناسی خواهد بود.<sup>۳</sup>

محمد ارکون، شیوه مستشرقان را از جهات متعددی مورد نقد قرار داده است.<sup>۴</sup> وی معتقد است که اشکال دیگری که این مطالعات دارد، سطحی بودن شناخت مستشرقان درباره اسلام است. مطالعه بر اساس لغت، محقق را محدود و یک بُعدی خواهد کرد.<sup>۵</sup> بنابراین، محقق برای نقص و جبران اطلاعات تاریخی خود، به اموری مانند اساطیر متوسل خواهد شد.<sup>۶</sup>

دیگر اشکالی که ارکون وارد می‌کند، از بین بردن اصالت متون (قرآن و حدیث) توسط مستشرقان است. ارکون، معتقد است که اینان ناخودآگاه تحت تأثیر ایدئولوژی خاصی قرار دارند و در بررسی‌های خود از قرآن (وحی)، انجیل و تورات را اصل گرفته و قرآن را فرع آن‌ها دانسته‌اند. مستشرقان در فلسفه اسلامی نیز به اصیل بودن تفکر یونانی پایبند می‌باشند. به عقیده ارکون، بسیاری از مستشرقان، نصّ قرآن را از بین بردند و افرادی مثل نولدکه (م ۱۹۳۰م)<sup>۷</sup> و بلاشر (م ۱۹۷۳م)<sup>۸</sup> با پیش فرض اصالت انجیل و تورات و تبعی دانستن قرآن، نوعی تحریف در معانی قرآن بوجود آورده و آن را مورد بی‌توجهی قرار دادند.

۱. ارکون، محمد، الفکر الاسلامی قرائة علمية، ص ۵۵۸).

۲. فلولوجی یا فقه اللغة.

۳. جمعی از نویسندگان محمد ارکون المفکر والباحث والإنسان، ص ۶۶.

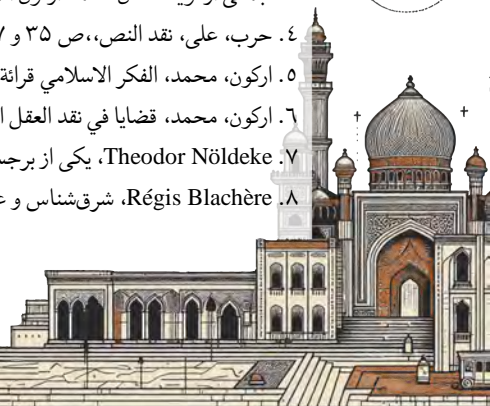
۴. حرب، علی، نقد النص، ص ۳۵ و ۶۷.

۵. ارکون، محمد، الفکر الاسلامی قرائة علمية، ص ۱۱۰.

۶. ارکون، محمد، قضايا في نقد العقل الديني، ص ۲۵۹.

۷. Theodor Nöldeke، یکی از برجسته‌ترین خاورشناسان آلمانی، و از مترجمان قرآن به زبان آلمانی است.

۸. Régis Blachère، شرق‌شناس و عربی‌دان فرانسوی، و یکی از مترجمان قرآن به زبان فرانسوی است.





مطالعات ارکون درباره اسلام، از نوع معرفت‌شناسانه است؛ به طوری که وی هنگامی که در مورد آیات قرآن - مانند سوره علق - به بحث می‌پردازد، به آن از منظر معرفت‌شناسانه می‌نگرد.<sup>۱</sup> ارکون، معتقد است که مستشرقان در روش خود، بین ادبیات تاریخی تفکیکی قائل نمی‌شوند؛ مثلاً در بررسی کتاب طبری، اثر او را تنها از نظر انتساب به ایدئولوژی و مذهب خاص و یا شیعه و سنی بودن بررسی می‌کنند و فقط به طبقه‌بندی طبری بر اساس ایدئولوژی توجه دارند، اما از تحلیل‌های عقلانی تاریخی غافل مانده‌اند.<sup>۲</sup>

### ب. اندیشمندان مسلمان

شیوه مطالعات اندیشمندان مسلمان نیز مورد نقد محمد ارکون قرار گرفته است. وی اعتقاد دارد که اندیشمندان مسلمان تحت تأثیر مستشرقان به صورت غیر مستقیم قرار دارند و با شیوه ایشان، به پژوهش تاریخی پرداخته‌اند. وی معتقد است، محوریت روش لغوی در فهم اسلام، در تحقیقات مسلمانان دیدگاهی مسلط می‌باشد. بنابراین پژوهش‌های مسلمانان تحت تأثیر شیوه‌های مطالعاتی مستشرقان قرار گرفته<sup>۳</sup> و نقل نصوص قرآنی و احادیث و سیره به‌جامانده از پیامبر ﷺ و رفتار صحابه، همگی در چارچوب روش لغوی تحلیل و تفسیر می‌گردد. اندیشمندان مسلمان نیز متوجه این نقص‌ها شده و در صدد رفع و نقد آن برآمده‌اند. اندیشمندان مسلمان لغزش‌های مستشرقان و قضاوت‌های آنان درباره تاریخ اسلام را ناشی از جهالت یا اغراض شخصی می‌دانند.

از جهت روشی، می‌توان افرادی چون طه حسین (م ۱۹۷۳م)<sup>۴</sup> که اهتمام خاصی به «نقد گفتمان دینی» داشت، به‌عنوان نمونه معرفی نمود. طه حسین به دلیل جانب‌داری از روش مستشرقان، از تفسیر دو قرن اول و دوم هجری در زمینه منابع اسلامی ناتوان بود و در تبیین فضای اجتماعی-فرهنگی و معرفتی آن دوره در آثار خود، عاجز ماند. این در حالی است که ارکون عقیده دارد نقل‌ها تا آن دوره عمدتاً شفاهی بودند. نکته‌ای که طه حسین از آن

۱. ارکون، محمد، القرآن من التفسیر الموروث إلى تحلیل الخطاب الدینی، ص ۳۰.

۲. (جمعی از نویسندگان محمد ارکون المفکر والباحث والإنسان، ص ۶۴-۶۹.

۳. ارکون، محمد، قضايا في نقد العقل الدینی، ص ۱۴۳ و ۱۴۸.

۴. طه حسین (۴ نوامبر ۱۸۸۹ - ۲۸ اکتبر ۱۹۷۳م)، نویسنده و سخنور مصری، و از پیشگامان جنبش نوگرایی در مصر بود.





غفلت ورزیده کتبی شدن متون است که در آن دوره رفته رفته تقویت گردید. در عین حال نباید فراموش کرد که عوامل مهمی در مطالعات وجود دارد که برتری نگرش‌های افسانه‌وار و مجازگونه را بر نگرش عقلانی توجیه می‌کند. سؤالی که ارکون در مورد این برتری مطرح می‌کند، این است که چه عواملی در این دوره (قرن اول و دوم)، سبب شد تا نگرش‌های افسانه‌وار و مجازگونه بر نگرش عقلانی چیره شوند؟ وی در پاسخ اضافه می‌کند که توجه به عواملی نظیر؛ اختراع کاغذ، استفاده از خط در زبان عربی، تکامل خط از نظر تاریخی، ورود منطق و ترجمه فلسفه و علوم یونان، ما را در تحلیل‌های تاریخی ملزم خواهد ساخت تا تمامی جوانب را بسنجیم. با کنار گذاشتن نشانه‌های تاریخی اشاره شده می‌یابیم که سیر و روند عقلانیت در اسلام، رفته رفته تحت تأثیر عوامل یادشده، رشد پیدا کرد و همین عوامل، در شکل‌دهی ذهنیت جامعه نقش بسزایی ایفا نمود. این در حالی است که رویکرد لغوی، خلاف این روند را نشان می‌دهد. رویکرد لغوی، ما را در مطالعات تاریخی محدود خواهد ساخت و در نتیجه، از قراین تاریخی و تحلیل درست وقایع، ناتوان خواهیم بود.<sup>۱</sup>

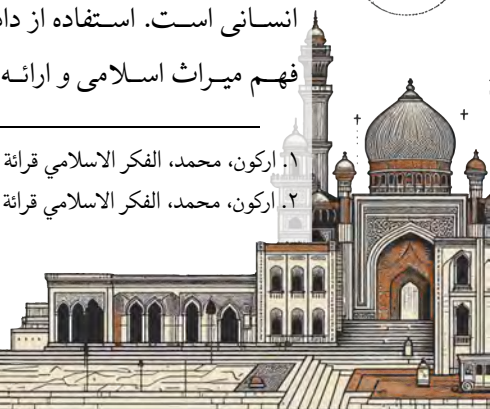
عقل‌گرایی، پس از اختراع کاغذ و پیدایش خط اتفاق افتاد و با وارد شدن فلسفه یونانی و قواعد منطقی، رشد قابل توجهی پیدا کرد. تقابل دوگانه شفاهی و نوشتاری از یک طرف، و تقابل اسطوره و عقلانیت در مطالعه تاریخ اسلام را از طرف دیگر، باید همیشه در نظر داشت. بنابراین، نباید این جدال مستمر را در مطالعات تاریخی فراموش کرد و تحلیل نادرستی از تاریخ ارائه داد. به عقیده ارکون، از این نظر، تاریخ را باید دوباره نویسی کرد.<sup>۲</sup> ارکون، روش جدیدی در مطالعات تاریخی و اسلامی خود به کار گرفت و این شیوه‌نو را «شیوه نقد تاریخی» نامید که در ادامه، به معرفی آن پرداخته خواهد شد.

## ۲. استفاده از داده‌ها و روش‌های علوم انسانی

ویژگی دیگر تحقیقات و مطالعات تاریخی ارکون، استفاده از داده‌های علوم انسانی است. استفاده از داده‌ها و روش‌های علوم انسانی به عنوان راه حلی برای فهم میراث اسلامی و ارائه چارچوب‌های جدید، پیشنهاد محمد ارکون می‌باشد.

۱. ارکون، محمد، الفکر الاسلامی قرائة علمية، ص ۳۶.

۲. ارکون، محمد، الفکر الاسلامی قرائة علمية، ص ۳۵ و ۳۶.





ارکون عقیده دارد، علوم انسانی شامل چارچوب‌های معرفتی جدیدی است که محقق را توانا خواهد ساخت بهتر با منابع و میراث اسلامی تعامل داشته باشد.<sup>۱</sup> روش لغوی مستشرقان از نظر ارکون حاوی اشکالاتی است. یکی از اشکالات اینست که روش‌های آنان در بررسی قرآن، تاریخ و سایر مطالعات اسلامی، برگرفته از روش‌های قرن ۱۹ میلادی است. به عقیده وی، اینان به روش‌های قبلی وفادار ماندند، در حالی که پس از نیمه قرن ۲۰ میلادی، پیشرفت‌های سریعی در علوم انسانی و روش‌های آن پدید آمده است که مستشرقان در مطالعات خود، از این پیشرفت‌های روشی بی‌بهره‌اند.<sup>۲</sup>

ارکون عقیده دارد، کاربرد علوم انسانی در مطالعات اسلامی، باید گسترده‌تر باشد. وی معتقد است همانطور که دانشمندان بیولوژیک داده‌ها و نظریات علمی خود را بر موجودات زنده می‌سنجند و نتیجه مطالعات خویش را به صورت پویا ثبت می‌کنند، همین روند باید در مطالعات اسلامی نیز پیاده‌سازی گردد. پس محققانی که با علوم انسانی سروکار دارند و نظریات علوم انسانی را بر منابع اسلامی<sup>۳</sup> پیاده‌سازی می‌کنند، به مثابه همان دانشمندان بیولوژیکی هستند که بر روی موجودات زنده آزمایش و تحقیق می‌کنند.<sup>۴</sup> در این صورت از نظر روشی، علاوه بر توفیق بیشتر، محققان تأثیر و تأثر را از نزدیک شاهد خواهند بود.

### ۳. ارتباط گذشته با حال و آینده

یکی از ویژگی‌های مهم پژوهشی ارکون، مطالعه گذشته برای ساخت حال و آینده است. به نظر ارکون، ما شناخت دقیقی از گذشته نداریم و به همین دلیل، باید با مراجعه به منابع گذشته، به دنبال اکتشاف گذشته تاریخی به طور کامل باشیم. هدف ارکون، شناخت کامل گذشته است؛ یعنی درصدد رفع نیازهای معرفتی است که آن‌ها را می‌تواند از گذشته به دست آورد. بازگشت به حال و نگاه به آینده نیز با همین رویکرد است؛ زیرا آن معارفی که ارکون از گذشته به دست آورده، در حال و آینده موجود نیست و ریشه‌های آن در گذشته باید جستجو

۱. ارکون، محمد، قضایا فی نقد العقل الدینی، ص ۲۲۶.

۲. (جمعی از نویسندگان محمد ارکون المفکر والباحث والإنسان، ص ۶۹.

۳. التراث.

۴. ارکون، محمد، الفكر الاسلامی قرآنة علمية، ص ۳۷.





کرد. برای شناخت بهتر حال و آینده، باید به سراغ گذشته رفت، تا حال و آینده را بهتر بشناسیم. از نظر محمد ارکون، تاریخی که به صورت ناقص و گزینشی به دست ما رسیده، تمام گذشته نیست تا بتوان به آن قناعت و اطمینان حاصل کرد. بنابراین، ارکون با رجوع به گذشته، به دنبال ابزاری کارآمد و تکمیل عوامل تاریخی است که نصوص و متون فعلی ما را قوام بخشیده و کامل کند.<sup>۱</sup> حتی ارکون معتقد است که نصوص و متون دینی تعریف خود را از همین عوامل تاریخی برگرفته‌اند. ارکون، این رویکرد را شیوه «عقب‌گرد معرفتی»<sup>۲</sup> نام می‌نهد.

در مقابل این شیوه، روش دیگری وجود دارد که ارکون آن را شیوه «جلورفت معرفتی»<sup>۳</sup> می‌نامد. ارکون در این شیوه، اعتقاد دارد که می‌بایست همیشه اثر ایدئولوژیک و پویایی این نصوص و متون دینی را در نظر داشت. بنابراین، ما باید به دنبال نقش‌آفرینی‌های نصوص دینی باشیم و در حقیقت، ارکون عقیده دارد نصوص دینی، با توجه به تحول زمان، چه معانی و اجتهاداتی را سبب شده است. به اعتقاد وی، گستردگی اجتهادات و معانی، حکایت از زنده بودن نصوص و متون دینی دارد.<sup>۴</sup>

### دیدگاه‌های موجود در مورد سیره نویسی پیامبر ﷺ

دیدگاه‌های موجود در سیره پیامبر ﷺ را می‌توان به‌طور کلی به سه دیدگاه تقسیم کرد:

#### ۱. دیدگاه انفتاحی:

معتقدین به این دیدگاه قائل‌اند سیره پیامبر ﷺ را می‌توان به‌طور کامل و دقیق شناخت و سیره پیامبر ﷺ تقریباً به‌طور کامل توسط رایان کتب تاریخی و حدیثی به دست ما رسیده است. راه شناخت سیره پیامبر ﷺ توسط قرآن کریم، کتب تاریخ و کتب روایی است. بنابراین دیدگاه سیره پیامبر ﷺ بر کسی پوشیده نیست و منابع صدر اسلام و دوره پیامبر اکرم ﷺ نسل اندرنسل به دست ما رسیده است.

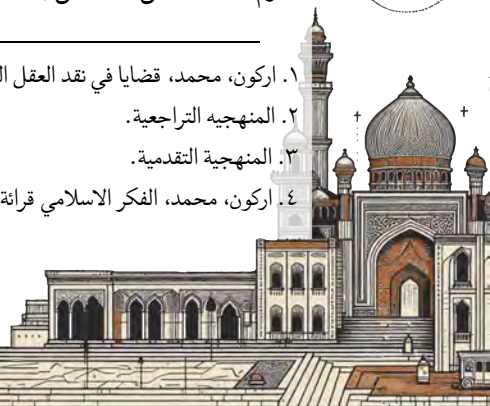


۱. ارکون، محمد، قضایا فی نقد العقل الدینی، ص ۱۹۹-۲۲۷.

۲. المنهجیه التراجعیة.

۳. المنهجیه التقدیمیة.

۴. ارکون، محمد، الفكر الاسلامی قرآنة علمیه، ص ۱۶۸.







**نسل اول:** راویانی که پیش از ابن اسحاق می‌زیستند مانند: عروه بن زبیر، ابان بن عثمان، وهب بن منبه، شرحبیل بن سعد و... وجود داشتند که اخبار دوره پیامبر ﷺ را برای ما نقل کرده‌اند.

**نسل دوم:** راویانی که بعد از این گروه آمدند که در دوره ابن اسحاق تا ابن هشام زندگی می‌کردند و اخبار این دوره را در بر می‌گیرند مانند؛ ابن اسحاق، ولید بن مسلم، ابان بن عثمان، ابو مخنف لوط بن یحیی و... اینان اخبار راویان قبل را برای ما نقل کرده‌اند.

**نسل سوم:** راویانی که بعد از ابن هشام تا ابن فارس بودند مانند؛ ابن هشام، عبد الرحمن سهیلی، خیوانی، معلی بن محمد و... که اخبار راویان قبل خود را برای ما روایت کرده‌اند. البته تاریخ‌نگاران نسل‌های بعد به ترتیب در کتاب‌های تاریخ ذکر شدند اما برای اینکه ثابت شود سیره پیامبر ﷺ در دسترس بوده همین مقدار کفایت خواهد کرد.<sup>۱</sup>

اما دلایل این گروه عبارتند از:

۱. تاکید قرآن کریم بر شخصیت پیامبر ﷺ و الگوگیری مسلمانان از پیامبر ﷺ سبب شد تا فضایی در جامعه اسلامی ایجاد گردد تا مردمی که حتی ایشان را هم ندیده بودند، جویای اخبار و سیره ایشان شوند و اشتیاق آنان برای شناخت سیره آن حضرت بیشتر گردد.<sup>۲</sup>
۲. با گذشت زمان رفته‌رفته برداشت‌ها از قرآن کریم مختلف می‌شد و مردم برای فهم آیات قرآن کریم و برای فهم اسلام بدنبال راهی دیگر بودند تا برداشت صحیح را روشن سازند و فهم آیات را ممکن نمایند. بهترین ابزار سیره پیامبر ﷺ بود.
۳. مسلمانان مشتاق بودند تا الگوی معرفتی خود را بشناسند و به همین خاطر به دنبال الگو گرفتن از پیامبر ﷺ بودند و این باعث می‌شد تا مسلمانان همیشه به دنبال شناخت و معرفی این الگوی توصیه شده قرآنی باشند.

۱. سید محمد طیبی، سیره نگاری در تاریخ اسلام، ص ۱۳۶.

۲. رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۲۴.





۴. پس از فتوحات، تازه مسلمانان با قبول اسلام به دنبال فهم اسلام و پاسخ به سئوالات خود بودند و دنبال الگویی برای پیدا کردن راه بودند. بهترین و مطمئن ترین راه شناخت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سیره ایشان بود.

۵. با ظهور فرقه‌های مختلف، مردم به دنبال فصل الخطاب برای حل منازعات و کشمکش‌های عقیدتی و فکری بودند و حاکمان و حکومت‌داران نیز از آن برای فروکش کردن احساسات و آرام کردن مردم نیز استفاده می‌کردند.

قائلین به این نظریه؛ محمد بن اسحاق (م ۱۵۱ق)، عبد الملک بن هشام (م ۲۱۳ق)، محمد بن سعد (م ۲۳۰ق)، محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷ق)، محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق)، احمد بن اسحاق یعقوبی (م ۲۸۴ق)، علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۶ق) و... می‌باشند.

## ۲. دیدگاه انسدادی:

طرفداران این دیدگاه قائل اند که سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نمی‌توان با قرآن کریم و یا هیچ یک از کتب تاریخی یا روایی شناخت و هرگونه شناختی نسبت به این سیره ناقص و از روی حدس و گمان است. پس بنابراین راه ما به سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مسدود است. عمده طرفداران این دیدگاه مستشرقین و برخی مسلمانان روشنفکر هستند. یکی از افرادی که به این دیدگاه اعتقاد دارد محمد ارکون می‌باشد. برخی از دلایلی که محمد ارکون را به این دیدگاه پایبند کرده است را در بالا ذکر کردیم.

## ۳. دیدگاه توسعه‌ای:

این دیدگاه، بینابین دو دیدگاه فوق است. یعنی نه انفتاحی کامل و نه انسدادی کامل بلکه دیدگاهی بینابین دو دیدگاه است و شناخت سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این دیدگاه امری ممکن است. بر اساس این دیدگاه می‌توان برای فهم و سیره‌نویسی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از قرآن کریم بهره برد. از آنجا که کتاب‌های تفسیری زیادی درباره آیات قرآن کریم نوشته شده است، این آثار به‌عنوان کتب کمکی به ما یاری خواهند رساند. آثار تفسیری هرکدام با جهتی خاص یکی از ابعاد زندگی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را کاوش کرده است و توانسته حجم وسیعی از اطلاعات و داده‌ها در مورد رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را برای ما گردآوری نماید. اضافه بر این می‌توان از کتب تاریخی





استفاده کرد. شیوه کتابت، نقل اخبار، استفاده از کتاب‌های پیشین و... ویژگی‌هایی است که مخصوص به تألیفات تاریخی است. این کتاب‌ها می‌توانند در تدوین سیره بسیار مفید واقع گردند. مجموعه‌های روایی هم بخش دیگری هستند که می‌تواند کمک شایانی به درک و فهم سیره‌نویسی داشته باشند. اصولاً وجود روایات تاریخی بخش مهمی از تاریخ و سیره است که در کتب روایی وجود دارد. جالب آن‌که در روایات تاریخی ویژگی‌هایی چون؛ محور بودن قرآن، آمیختگی آیات قرآن با روایات تاریخی، توضیحات اضافی بر بیان قرآنی، وجود برخی زوائد در روایات تاریخی و عنصر تکرار از مهم‌ترین ویژگی‌های روایات تاریخی می‌باشد. این دیدگاه اصطلاحاً دیدگاه توسعه‌ای نامیده می‌شود.<sup>۱</sup>

قائلین به نظریه توسعه‌ای را می‌توان اندیشمندانی همانند؛ جواد علی (م ۱۹۸۷م)، عبد العزیز الدوری (م ۱۹۱۹م)، سید جعفر مرتضی‌العاملی (م ۱۴۴۱ق)، و... معرفی کرد.

### نظر محمد ارکون در سیره نویسی پیامبر ﷺ

محمد ارکون معتقد است در مورد سیره پیامبر ﷺ دو دیدگاه کلی وجود دارد. اولین دیدگاه، پیامبر ﷺ را به صورت واقعی ترسیم می‌کند و نگاه تاریخی به شخص و سیره پیامبر ﷺ دارد و دیدگاه دوم، پیامبر ﷺ را در هاله‌ای از تقدس مطرح نموده است و او را به صورت مثالی یا ماورائی به تصویر می‌کشد.

ارکون در کتاب «قضايا في نقد العقل الاسلامي» پس از بیان این دو دیدگاه و تشریح هر یک از دیدگاه‌ها، دیدگاه‌های موجود از پیامبر ﷺ را در هاله‌ای از تقدس می‌داند. ارکون معتقد است در سیره پیامبر ﷺ با توجه به برخی مشکلات همانند کمبود منابع و عدم کتابت حدیث در قرن اول و دوم هجری و همچنین ابزار نوشتاری مانند کمبود کاغذ و... می‌توان نتیجه گرفت، ما اطلاع چندانی از زندگی پیامبر ﷺ نداریم. همین عوامل سبب گردید تا مورخان سیره به جای آن‌که سیره‌ای از پیامبر ﷺ به صورت واقعی و تاریخی ارائه دهند، سیره‌ای از ایشان به صورت نمادین و در «هاله‌ای از تقدس» ارائه کردند. ارکون معتقد است، شخصیتی که از پیامبر اسلام ترسیم شده است یک نماد و شخصیت مثالی و به دور از واقعیات تاریخی است.<sup>۲</sup>

۱. جواد علی، تاریخ العرب في الاسلام، ص ۲۵.

۲ ارکون، محمد، قضايا في نقد العقل الديني، ص ۱۴۵





این تصویر نمادین از زندگی پیامبر ﷺ رفته‌رفته پُررنگ‌تر گردید و با حذف کتاب‌های تاریخی از سوی برخی مذاهب اسلامی به خاطر برخی کشمکش‌ها و تضادها که واقعیت تاریخی را بازگو می‌کرد، تصویر نمادین به جای تصویر تاریخی در میان مسلمانان پذیرفته شد.<sup>۱</sup> اکنون با شرایط و اوضاع کنونی ارائه یک تصویر تاریخی از زندگی و سیره پیامبر اکرم ﷺ محال شده است.<sup>۲</sup>

محمد ارکون در بحث مفصلی که از منشاء تشیع و تسنن در کتاب «نزعه الانسنه فی الفكر العربی» دارد، به بیان تفاوت دیدگاه‌ها میان تشیع و تسنن پرداخته و سپس در مورد سر منشاء و پیدایش تشیع و تسنن چنین بازگو می‌کند که با کتاب‌های تاریخی موجود نمی‌توان منشاء تشیع و تسنن را پیدا کرد. ارکون کتاب‌های موجود تاریخی را ناقص و اطلاعات آن‌ها را ناکافی برای واکاوی تاریخی می‌داند.<sup>۳</sup>

به عقیده ارکون قرآن ابتدا به صورت شفاهی نقل می‌شد به همین صورت سنت و سیره پیامبر ﷺ به صورت شفاهی نقل می‌گردید و در عملیات انتقال سخنان از شفاهی به کتبی برخی از مطالب حذف می‌شد و یا بزرگ‌نمایی‌هایی صورت می‌گرفت و یا تغییراتی اتفاق می‌افتاد و در همه این نقل و انتقالات، حافظه، نقش اساسی را ایفا می‌کرد که ممکن بود دچار خطا و انحراف گردد.<sup>۴</sup>

اضافه بر این به‌عنوان عامل مساعد می‌توان از منع کتابت حدیث در دو قرن اول و دوم هجری نام برد که تاثیر بسزایی در عدم تدوین به‌موقع و دیر هنگام سیره پیامبر ﷺ گردید. منع تدوین حدیث باعث شد سیره نبی اکرم ﷺ به فراموشی سپرده شود و فقط نقل شفاهی سیره در میان مسلمانان متداول باشد.<sup>۵</sup>



۱. ارکون، محمد، قضایا فی نقد العقل الدینی، ص ۱۴۵.
۲. ارکون، محمد، قضایا فی نقد العقل الدینی، ص ۱۴۶.
۳. ارکون، محمد، نزعة الأنسنه فی الفكر العربی، ص ۵۶۱.
۴. ارکون، محمد، الفكر الاسلامی قرائة علمية، ص ۲۳۲.
۵. ارکون، محمد، الفكر الاسلامی قرائة علمية، ص ۶۲.





## نقد نظریه محمد ارکون در سیره‌نویسی پیامبر ﷺ

همان‌طور که گفته شد، روش تاریخی محمد ارکون در سیره پیامبر ﷺ مبتنی بر روش انسدادی بود. محمد ارکون همانند بسیاری مستشرقین، سیره‌نویسی پیامبر ﷺ را امری ناممکن می‌داند. بنابراین ما در نقد روش تاریخی محمد ارکون می‌گوییم، چنین نیست که سیره‌نویسی پیامبر ﷺ ناممکن باشد، بلکه می‌توان از روش توسعه‌ای در این زمینه استفاده کرد. توضیح سیره‌نویسی به روش تاریخی توسعه‌ای در مراحل ذیل می‌آید:

### ۱. محوریت قرآن در سیره‌نویسی پیامبر ﷺ

قرآن کریم مملو از آیاتی است که سیره پیامبر ﷺ در غزوات، امور شخصی و برخورد با صحابه را تشریح کرده است. بر این اساس می‌توان قرآن را محور سیره‌نویسی قرار داد. در طول حدود ۱۴۰۰ سال شروح و تفاسیر مهمی در حول آیاتی از قرآن که تحقیقات دامنه‌داری در زمینه سیره پیامبر ﷺ داشته، پدید آمده است. همین امر توانسته است ابعاد مهمی از آن را برای ما روشن سازد. این حجم از اطلاعات تفسیری در ذیل آیات قرآن کریم، سیره‌نویسی خاصی همراه با شأن نزول را تولید کرده است و در اغلب موارد حتی مورد نقد و ارزیابی دیگر مفسران قرار گرفته است.

سیره‌نویسانی چون طبری و مسعودی و یعقوبی بر اساس آیات قرآن کریم حوادث تاریخی را ذکر کرده‌اند و محوریت آیات قرآن در آثار ایشان مشهود است. تاریخ‌نویسان در آثار تاریخی خود از قرآن بهره گرفته و کتاب‌های تاریخی خود را بر این اساس نوشته‌اند. به عبارتی روشن‌تر مورخان اطلاعات تاریخی خود را در بسیاری از موارد با قرآن تکمیل کرده‌اند.

روایات هم‌راهی مشابه کتاب‌های تاریخی طی کرده‌اند و با اتکا بر محوریت قرآن، به حوادث و وقایع تاریخی پرداخته‌اند. این محوریت در مباحث روایات تاریخی به میزانی نمایان و پُررنگ است که گویی روایات، شرح و تفسیری از حوادث تاریخی هستند که بر اساس قرآن بیان شده‌اند.





## ۲. کتاب‌های سیره، از ابن اسحاق به بعد

نمی‌توان با انسدادی خواندن سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بدون داشتن دلایل کافی، باب علم را در زمینه سیره بست. هرچند بعید به نظر می‌رسد که تاریخ‌نویسانی چون یعقوبی، مسعودی و طبری بدون ارائه هیچ سندی مبادرت به نوشتن سیره‌ای مفصل از تاریخ پیامبر کرده باشند.

قبل از اسلام در جزیره العرب تعدادی از مردم سواد خواندن و نوشتن داشتند و حتی شعر نیز متداول بود و مردم بهره‌ای از قصص و داستان‌های پادشاهان ساسانی و رومی داشتند.<sup>۱</sup> حال سؤال این‌جاست که چگونه می‌توان باور کرد که با تمام اهتمام قرآن و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علم و علم‌آموزی به یک‌باره مردم از حرکت علمی باز ایستند؟ هر چند می‌توان تصور کرد به دلیل منع کتابت پس از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اندکی حرکت علمی رو به افول رفته باشد، اما همچنان مردم تربیت شده توسط نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشتاق یادگیری بودند و از هر فرصتی برای کسب دانش و علم بهره می‌بردند.

گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد مردم شبه جزیره، کتاب‌هایی از شام و... خریداری می‌کردند و حرکت علمی در جزیره العرب جریان داشت.<sup>۲</sup> مجادلات اشخاص و شخصیت‌های علمی با یهودیان و نصاری، همچنین وجود گزارش‌هایی از مباحثات علمی<sup>۳</sup> و... نشان از سؤالات بسیار مردم از سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ثبت و ضبط آن‌ها است.

ممکن است برخی، بهای گران کاغذ و فقر مردم را به‌عنوان دلیل دیگر برای انسداد باب علم و سیره‌نویسی مطرح کنند که حتما وجهی دارد اما با توجه به شرایط زمانه و دوران خلافت ابوبکر و عمر و عثمان و علی عَلَيْهِمُ السَّلَام و ثروت‌هایی که از ملل دیگر در بلاد اسلامی سرازیر گردید، می‌توان نشان داد که افراد بسیاری که در طبقات مرفه اجتماعی قرار داشتند و در صدد پاسخ‌گویی به سؤالاتی که در ذهن داشتند بودند و همواره برای حل این معضل تلاش می‌کردند.<sup>۴</sup>



۱. عبد العزیز الدوری، نشاه علم التاریخ عند العرب، صص ۴-۶.

۲. جواد علی، تاریخ العرب فی الاسلام، صص ۶-۱۰.

۳. همان.

۴. ارکون، محمد، قضايا في نقد العقل الديني، صص ۲۲-۲۵.







بنابراین می‌توان قبول کرد که تاریخ‌نویسان و تاریخ‌نگارانی چون طبری و مسعودی و یعقوبی هیچگاه بدون سند و مدرک تاریخی مبادرت به نوشتن کتاب‌های تاریخ نکردند و همیشه با ذکر سند و آثاری که دیده‌اند و همچنین اساتید و بزرگان به‌صورت موثق نقل کرده‌اند مجموعه‌های خود را به رشته تحریر در آورده‌اند.

### ۳. روایات تاریخی در باره سیره پیامبر ﷺ

وجود روایات تاریخی در آثار روایی فریقین نیز دلیل دیگری بر سیره‌نویسی و کتابت سیره می‌باشد. تقریباً آنچه در کتاب‌های تاریخی آمده است اما به‌صورت مفصل‌تر و مستندتر در کتب روایی فریقین آمده است.<sup>۱</sup>

در کتب روایی اهل سنت سخنان و روایاتی در مورد رفتار و سلوک پیامبر ﷺ در غزوات ایشان وجود دارد. همچنین در مجموعه‌های روایی شیعه نیز احادیثی با سلسله سند و حتی با سند متواتر از زندگی و سیره پیامبر ﷺ نقل شده و رفتار، سلوک، غزوات و شیوه زندگی ایشان به تصویر کشیده شده است.<sup>۲</sup>

### ۴. روش نقد تاریخی (پیرایش تاریخی)

مورخ می‌تواند با تجزیه و تحلیل وقایع و حوادث به صادق بودن یا نبودن برخی از اخبار و گزارش‌ها وقوف یابد. یکی از مورخین معاصر برای روش نقد تاریخی، روشی را یادآور می‌شود که شایسته است در این جایگاه آن را تکرار کنیم.

عبدالعزیز الدوری یکی از مورخین معاصر جهان عرب در کتاب خود «مقدمه فی تاریخ صدر الاسلام» بحثی را مطرح کرده است که می‌توان از آن در سیره‌نویسی پیامبر ﷺ استفاده کرد. وی دوگونه ویژگی تاریخی را از هم باز می‌شناسد:

**الف) عناصر نقد تاریخی:** در نقد روایات تاریخی ابتدا سند روایت شرط نبود و رفته‌رفته این روند به‌صورت تاریخی به‌وجود آمد که اسناد و بررسی روایات به‌صورت سندی و جاهت

۱. نگاه کنید به: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، جلد‌های ۲۰ تا ۴۰. در این کتابها مرحوم مجلسی به گردآوری تاریخ انبیا و سپس تاریخ جزیره العرب و همچنین در ادامه به تاریخ پیامبر ﷺ و سیره آن حضرت در ابعاد مختلف می‌پردازد و در ادامه به سیره امامان معصوم علیهم‌السلام می‌پردازد.

۲. نگاه کنید به: کتاب‌های صحیح مسلم ج ۴ تا ۶ و هم چنین سنن ترمذی ج ۸.





قانونی پیدا کرد. کم‌کم حرج و تعدیل راویان و شناخت گرایشات آنان باب شد و حوادث تاریخی همراه با زمان به نوعی گاه‌شماری تبدیل شد.<sup>۱</sup> این در حالی بود که راویان گرایش خود را مشخص نمی‌کردند و میان روایات تاریخی یک روایت را قبول و روایات دیگر را تضعیف و یا رد می‌کردند و بدین شکل گرایش راویان مشخص می‌شد.<sup>۲</sup>

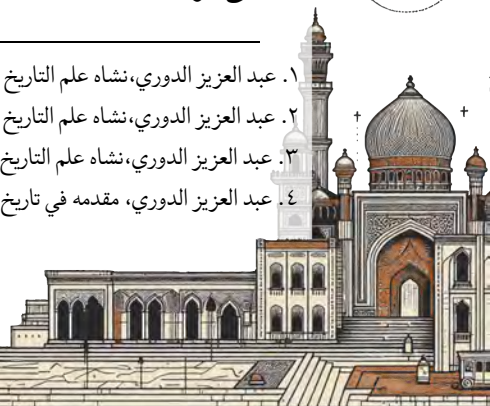
**ب) روش نقد تاریخی:** روش نقد تاریخی نیز یکی از روش‌های ابتکاری عبد العزیز الدوری است. شناخت گرایش مورخان (راویان)، وجود روایات متعارض، شناخت قرائن تاریخی و رد هرگونه افسانه، چهار موردی هستند که عبد العزیز الدوری نقد تاریخی روایات را بر اساس آنان ممکن می‌داند.<sup>۳</sup>

روایت در ابتدای امر، یک جمله خبری است که احتمال صدق و کذب دارد. با شناخت گرایش راوی می‌توان به مقاصد آشکار و پنهان راوی برای مطرح کردن این روایت از میان همه روایات موجود پی بُرد. بسیاری از راویان به دلیل مضمون اموی روایت آن را نقل کرده‌اند و یا بالعکس راوی، روایت را به خاطر ضد اموی بودن روایت -علوی بودن و یا عباسی بودن- نقل کرده است. محقق تاریخ می‌بایست روایات تاریخی متعارض را بررسی کند و یا حداقل توجه داشته باشد که آیا روایت متعارضی با روایات نقل شده وجود دارد یا خیر؟ و در صورت وجود روایات متعارض، در پذیرش روایات نقل شده تأمل نماید.

شناخت قرائن تاریخی یکی از محوری‌ترین ابزارهای محقق تاریخ است. مورخ با این ابزار است که می‌تواند فضای کلی روایت نقل شده را بررسی کند و اصولاً امکان صدور چنین روایتی را محتمل بداند. قرائن تاریخی حتی در فهم ما از روایت هم نقش داشته و به‌گونه‌ای در معنا کردن روایت کمک می‌کند. روایات جعلی به‌صورت اسطوره‌ای جعل می‌شوند و فضای اسطوره و افسانه بر آنها حاکم است و این در حالی است که روایات تاریخی دارای چنین فضایی نیستند. روایات تاریخی واقعیات را برای مخاطب بازگو می‌کنند و اسطوره و افسانه جزو روایات تاریخی نیست. اسطوره‌ها در برابر نقد تاب مقاومت نداشته و به‌راحتی نقد می‌شوند.<sup>۴</sup>



۱. عبد العزیز الدوری، نشاه علم التاریخ عند العرب، ص ۲۰.
۲. عبد العزیز الدوری، نشاه علم التاریخ عند العرب، ص ۲۰.
۳. عبد العزیز الدوری، نشاه علم التاریخ عند العرب، ص ۲۰.
۴. عبد العزیز الدوری، مقدمه فی تاریخ صدر الاسلام، ص ۲۰.





## نتیجه

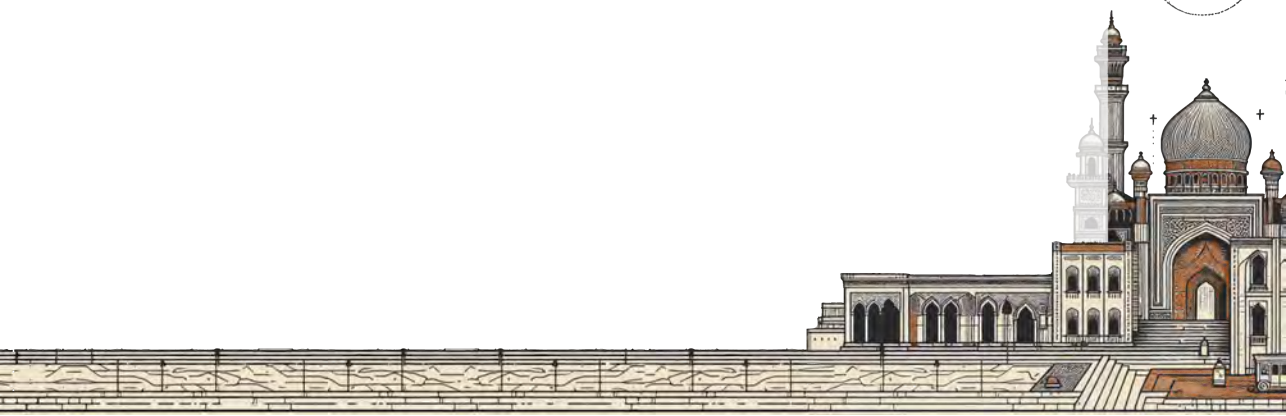
سه دیدگاه کلی در مورد امکان سیره‌نویسی پیامبر ﷺ وجود دارد. دیدگاه اول معتقد است امکان سیره‌نویسی وجود دارد و محقق با توجه به منابع موجود می‌تواند سیره پیامبر ﷺ را انشاء و تحریر کند و همچنین سیره نسل‌اندرنسل از صدر اسلام تاکنون گزارش شده است. دیدگاه دوم قائل است هیچ‌گونه امکانی برای سیره‌نویسی وجود ندارد و محققین تاریخ با فقدان و کمبود منابع تاریخی و همچنین با گزارش‌های ناقص و جعلی مواجه هستند. یکی از قائلان این نظریه محمد ارکون است که در آثار عمده خود به شرح و بسط این نظریه پرداخته است. دیدگاه سوم اعتقاد دارد می‌توان بر اساس قرآن کریم و تفاسیری که در طی ۱۴۰۰ سال گذشته در مورد آیات قرآن تحقیق شده است، سیره پیامبر ﷺ را تدوین کرد. علاوه بر قرآن، کتاب‌ها و آثار تاریخی و روایی به‌عنوان تحقیقات مساعد، سیره‌نویسی پیامبر ﷺ را تکمیل خواهند کرد. در سیره‌نویسی می‌توان محور را قرآن کریم قرار داد و این کتاب مقدس می‌تواند مَحْمَلِ خوبی برای نگارش سیره حضرت رسول ﷺ شناخته شود. به‌علاوه وجود تفاسیر حول قرآن کریم می‌تواند ابعاد مختلف زندگی ایشان را روشن سازد. کتاب‌های تاریخی نیز به شکل توسعه‌ای می‌توانند مطالب را در این زمینه تکمیل کنند. آثار و مکتوبات روایی و روایات مربوط به سیره نیز حاوی مطالب فراوان و سودبخش در زمینه سیره هستند که پاره‌ای از ابهامات را بر طرف خواهند کرد. و بالاخره مورخ با روش نقد تاریخی خواهد توانست به پیرایش سیره پردازد.





## منابع

- ابی نادر، نایله، التراث والمنهج بين اركون و الجابری، بیروت: الشبكة العربية للأبحاث والنشر، اول، ۲۰۰۸م
- اركون، محمد، الفكر الاسلامي قراءة علمية، بیروت: المركز الثقافي العربي، دوم، ۱۹۹۶م
- اركون، محمد، القرآن من التفسير الموروث إلى تحليل الخطاب الديني، بیروت: دار الطليعة، دوم، ۲۰۰۵م
- اركون، محمد، قضايا في نقد العقل الديني، بیروت: دار الطليعة، چهارم، ۲۰۰۹م،
- اركون، محمد، نزعة الأنسنة في الفكر العربي، بیروت: دار الساقی، دوم، ۲۰۰۶م
- اركون، محمد، تاريخية الفكر العربي الإسلامي، بیروت: مركز الثقافي العربي، سوم، ۱۹۹۸م
- جمعی از نویسندگان، محمد اركون المفكر والباحث والإنسان، بیروت: مركز الدراسات الوحدة العربية، ۲۰۱۱م.
- جواد علي، تاريخ العرب في الاسلام، منشورات الجمل، بغداد، ۲۰۰۹.
- حرب، علی، نقد النص، بیروت: المركز الثقافي العربي، چهارم، ۲۰۰۵م
- جعفریان، رسول، تاريخ سياسی اسلام، انتشارات دليل ما، تهران، ۱۳۹۸.
- سجادی، سید صادق؛ عالم زاده، هادی، تاريخنگاری در اسلام، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰.
- طیبي، سید محمد، سيره نگاري در تاريخ اسلام، نامه تاريخ پژوهان، زمستان ۱۳۸۵،
- الدوری، عبد العزيز، مقدمه في تاريخ صدر الاسلام، مركز الدراسات الوحدة العربية، بیروت، (۱) ۲۰۰۷.
- الدوری، عبد العزيز، نشاه علم التاريخ عند العرب، مركز الدراسات الوحدة العربية، بیروت، (۲) ۲۰۰۷.
- دلاور، علی، مبانی نظری و عملی در علوم انسانی و اجتماعی، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۸۴،
- شريف، میان محمد، تاريخ فلسفه در اسلام، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۹.





## References

- Abi Nader, N. (2008). *Al-torath va al-monhaj between Arkoun and Al-Jaberi* (1<sup>st</sup> ed.). Beirut: Arab Network for Research and Publication.
- Arkoun, M. (1996). *Islamic thought, a scientific reading* (2<sup>nd</sup> ed.). Beirut: Arab Cultural Center.
- Arkoun, M. (2005). *The Qur'an from inherited interpretation to the analysis of religious Discourse* (2<sup>nd</sup> ed.). Beirut: Dar Al-Tali'ah.
- Arkoun, M. (2009). *Issues in Criticism of Religious Reason* (4<sup>th</sup> ed.). Beirut: Dar al-Tali'ah.
- Arkoun, M. (2006). *The Tendency of Humanism in Arab Thought* (2<sup>nd</sup> ed.). Beirut: Dar al-Saqi.
- Arkoun, M. (1998). *The Historicity of Arab-Islamic Thought* (3<sup>rd</sup> ed.). Beirut: Arab Cultural Center.
- A Group of Authors (2011). *Muhammad Arkoun, the thinker, researcher, and human being*. Beirut: Center for Arab Unity Studies.
- Jawad, A. (2009). *The History of the Arabs in Islam*. Baghdad: Al-Jamal Publications.
- Harb, A. (2005). *Criticism of the Text* (4<sup>th</sup> ed.). Beirut: Arab Cultural Center.
- Jafarian, R. (2018). *Political History of Islam*. Tehran: Dalil e- Ma Publications
- Sajjadi, S. S., & Alemzadeh, H. (2001). *Historiography in Islam*. Tehran: SAMT Publications.
- Tayyibi, S. M. (2006). *Biography in the history of Islam, History researchers' letter*.
- Al-Douri, A. A. (2007a). *Introduction to the history of early Islam*. Beirut: Center for the Studies of Arab Unity.
- Al-Douri, A. A. (2007b). *The Origin of the science of history among the Arabs*. Beirut: Center for Arab Unity Studies.
- Delavar, A. (2005). *Theoretical and practical foundations in humanities and social sciences*. Tehran: Roshd Publications.
- Mian, M. Sh. (2010). *History of philosophy in Islam*. Tehran: Daneshgahi Publications.



